



The Strategic Impacts of U.S. Economic and Technical Assistance on Iran's Economic and Political Structure during the Pahlavi Era

Farhad Nam Bradarshad*¹ | Asieh Hosseini²

1. PhD in Revolutionary History. Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. Document review expert of National Library and Records Organization of Iran, Tehran, Iran.
2. PhD student in the history of the Islamic Revolution. Hamedan University, Hamedan, Iran.

Abstract

After World War II, Iran, due to its unique geopolitical position, became the focus of the victorious powers and the capitalist world led by the United States. Iran's proximity to the Soviet Union, regarded as the greatest threat to the global capitalist system, further underscored its strategic importance. The overarching policy of the West, under American leadership, was centered on preventing the spread of communism, which was deemed essential for safeguarding Western interests in Iran and the Middle East. In this context, the convergence of interests between the United States, as the leader of the capitalist world, and the Pahlavi regime, as a pro-Western government, paved the way for the provision of U.S. economic and technical assistance to Iran. These aids functioned as a powerful tool for shaping Iran's political structures and sustaining Western capitalist influence in the country.

This study, employing a descriptive-analytical approach and relying on documentary sources, seeks to answer the question: What were the effects and consequences of U.S. technical and economic assistance on the economic, political, and social policymaking of the Pahlavi regime during the Second Pahlavi era? The findings of the research reveal that U.S. financial and technical assistance, which initially aimed to curb Soviet communist influence, eventually became an instrument for promoting American culture and policies in Iran. These aids, alongside American development institutions, facilitated extensive U.S. penetration into Iran's economic and political structures. American experts and technical programs played a key role in transferring knowledge, technical skills, and in training a generation of managers and officials aligned with Western policies.

Article Info

Article type: Research

Received: October 23, 2025

Received in revised from:

November 15, 2025

Accepted: December 17, 2025

Published online: December 21, 2026

Keywords:

Pahlavi rule, communism, Americanism, economic dependence, inefficiency.

*Corresponding author:

f.n.baradarshad@ri-khomeini.ac.ir

Cite this article: Nam Bradarshad, F. & Hosseini, A. (2026). The Strategic Impacts of U.S. Economic and Technical Assistance on Iran's Economic and Political Structure during the Pahlavi Era. *Biquarterly Tarikhname-ye Enghelab*, 1 (2), 295-316. <https://doi.org/10.22034/te.2025.479295.1265>

تأثیرات راهبردی کمک‌های اقتصادی و فنی آمریکا بر ساختار اقتصادی و سیاسی ایران دوره پهلوی دوم

فرهاد نام‌برادرشاد*^۱ | آسیه حسینی^۲

۱. دانش آموخته دکتری تاریخ انقلاب اسلامی. پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی. کارشناس بررسی اسناد و مدارک، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران.
۲. دانش آموخته دکتری تاریخ انقلاب اسلامی. دانشگاه همدان، همدان، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۹/۳۰

کلیدواژه‌ها:

حکومت پهلوی، آمریکاگرایی، وابستگی اقتصادی، ناکارآمدی، سیاست زدگی.

* نویسنده مسئول:

f.n.baradarshad@ri-khomeini.ac.ir

پس از جنگ جهانی دوم، ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه خود، در کانون توجه قدرت‌های پیروز جنگ و جهان سرمایه‌داری به رهبری ایالات متحده آمریکا قرار گرفت. همسایگی ایران با شوروی کمونیستی که به عنوان بزرگ‌ترین تهدید نظام سرمایه‌داری جهانی شناخته می‌شد، بر اهمیت استراتژیک این کشور افزود. سیاست کلان غرب به رهبری آمریکا بر جلوگیری از نفوذ کمونیسم متمرکز بود و این موضوع برای حفظ منافع غرب در ایران و خاورمیانه حیاتی تلقی می‌شد. در این میان، همگرایی منافع آمریکا به عنوان رهبر جهان سرمایه‌داری و حکومت پهلوی به عنوان یک نظام غرب‌گرا، زمینه‌ساز ارائه کمک‌های اقتصادی و فنی آمریکا به ایران شد. این کمک‌ها به عنوان بازوی قدرتمند آمریکا، ابزاری برای شکل‌دهی به تشکیلات سیاسی ایران و تداوم نفوذ سرمایه‌داری غرب در کشور به شمار می‌رفتند. این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و تکیه بر منابع اسنادی، به این پرسش پاسخ می‌دهد که کمک‌های فنی و اقتصادی آمریکا در دوران پهلوی دوم چه آثار و پیامدهایی در حوزه‌های سیاست‌گذاری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حکومت ایران داشته است؟ بر اساس یافته‌های پژوهش، کمک‌های مالی و فنی آمریکا که در ابتدا با هدف مهار نفوذ کمونیسم شوروی آغاز شد، در ادامه به ابزاری برای ترویج فرهنگ و سیاست‌های آمریکایی در ایران تبدیل شدند. این کمک‌ها، به همراه مؤسسات عمرانی آمریکایی، زمینه‌ساز نفوذ گسترده آمریکا در ساختارهای اقتصادی و سیاسی ایران شدند. کارشناسان و برنامه‌های فنی آمریکایی نقشی کلیدی در انتقال دانش و مهارت‌های فنی ایفا کرده و موجب تربیت نسلی از مدیران و کارگزاران تکنوکرات وابسته به سیاست‌های غرب شدند.

استناد: نام‌برادرشاد، فرهاد و حسینی، آسیه (۱۴۰۵). تأثیرات راهبردی کمک‌های اقتصادی و فنی آمریکا بر ساختار اقتصادی و سیاسی ایران دوره پهلوی دوم. *تاریخ نامه انقلاب*، ۱(۲)، ۲۶۷-۲۸۸.

<https://doi.org/10.22034/te.2025.479295.1265>

مقدمه

فشارهای ناشی از گسترش کمونیسم در سطح بین‌الملل پس از پایان جنگ جهانی دوم، آمریکا را مجبور کرد برای جلوگیری از گرایش کشورهای غیرکمونیستی به آن، بدون در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و توانمندی‌های کشورهای مختلف در برابر تغییرات سریع، برنامه‌های توسعه‌ای مختلفی را به این کشورها پیشنهاد دهد. در این راستا، آمریکا با اعزام کارشناسان فنی و ارائه کمک‌های عمرانی و اقتصادی، پروژه‌های بزرگی را به اجرا درآورد. یکی از مهم‌ترین این برنامه‌ها، عملیات اقتصادی آمریکا تحت عنوان «اصل چهار ترومن» بود که برای بیش از یک دهه در ایران پیاده‌سازی شد و بخش‌های وسیعی از مناطق شهری و روستایی کشور را در برگرفت.

ایران که پس از اشغال از سوی متفقین در شرایط سیاسی و اقتصادی شکننده‌ای قرار داشت و فعالیت‌های طرفداران شوروی در برخی مناطق ایران گسترش یافته بود، آمریکا را وادار کرد که سیاست بی‌تفاوتی خود نسبت به ایران را کنار بگذارد. در این خصوص، برنامه اصل چهار ترومن با همراهی بنیادهای خیریه وابسته به دولت آمریکا برای رشد اقتصادی، علمی و صنعت کشور وارد ایران شدند. این برنامه با هدف مقابله با تهدیدات کمونیستی، به ترویج آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، انتقال تکنولوژی و معرفی روش‌های نوین در کشاورزی و صنایع در ایران پرداخت. نباید از نظر دور داشت که منافع سیاسی و راهبردی آمریکا همواره در اولویت برنامه‌های عمرانی و کمک‌های اقتصادی این کشور قرار داشت. هدف اصلی این برنامه‌ها، علاوه بر جلوگیری از نفوذ کمونیسم، گسترش نفوذ آمریکا و تثبیت ساختارهای وابسته به غرب در ایران بود. در نتیجه، اجرای این برنامه‌ها، علاوه بر دستاوردهای مثبت در برخی حوزه‌ها، پیامدهای منفی و پیچیده‌ای را نیز به دنبال داشت که به تدریج در جامعه ایران و در عملکرد حکومت پهلوی دوم نمایان شد که مسئله اصلی این پژوهش است. از این رو، این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر اساس منابع اسنادی، به بررسی آثار و نتایج کمک‌های فنی و اقتصادی آمریکا در دوران پهلوی دوم می‌پردازد و تلاش می‌کند نشان دهد که این کمک‌ها چگونه بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران تأثیر گذاشته و چه نقشی در شکل‌گیری روابط پیچیده میان دولت پهلوی و ایالات متحده آمریکا داشته است.

۱. پیشینه پژوهش

ویدا همراز در بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن شکل‌گیری و گستره فعالیت‌های این نهاد در جهان و ایران را توصیف کرده است. این اثر، فصلی مستقل به‌عنوان اصل چهار ترومن در ایران نیز دارد که اقدامات هیأت‌های آمریکایی را توصیف کرده است و به برخی از آثار اجتماعی و طرح‌های اقتصادی-توسعه‌ای آمریکا پرداخته است. این بخش رویکرد موضوع محور ندارد و به لایه‌های پنهان، رویکردهای آمریکا و الزامات هیأت حاکمه ایران در پذیرش این امور مورد نظر این اثر نیست. «اصل چهار ترومن و امکان توسعه در ایران» (۱۳۹۹) مقاله مرتضی سالمی قمصری و سهراب یزدانی از منظر جامعه‌شناسی تاریخی اصل چهار را مورد بررسی قرار داده است و تلاش کرده نظریه‌های مختلف علت وجودی گرایش ایران به آمریکا را در این برهه زمانی مورد بررسی قرار دهد؛ ولی خود نویسندگان گرایشی به یک نظریه خاص ندارند و صرفاً گذری تتوریک به این حوزه داشته‌اند.

آرش نجاتیان در مقاله «فعالیت‌های ترویجی بنیاد خاور نزدیک در ایران» (۱۳۷۵) تحقیقی را در رابطه با ورود بنیاد خاور نزدیک به ایران و حوزه‌های کاری و برنامه‌های عمرانی این بنیاد ارائه داده است و با استفاده از منابع مرکز تحقیقات کشاورزی، فعالیت‌های مختلف بنیاد را صرفاً شاخص‌سازی کرده است. این مقاله، تحلیلی در زمینه ارتباط بنیادهای آمریکایی با دولت ایران و همراهی با سیاست خارجی دولت آمریکا ارائه نداده است. اکبر کرباسیان در «تحلیلی بر نتایج اجرای اصل چهار ترومن در ایران» (۱۳۷۸) به آثار حضور کارشناسان آمریکایی در بخش کشاورزی و معیشت روستایی پردازد و برخی از رویکردهای این کارشناسان در بخش آموزش را نیز مورد توجه قرار دهد. نقطه تمایز این پژوهش با مطالعات پیشین در این است که تلاش دارد تمام کمک‌های مالی و فنی دولت آمریکا و شرکت‌های غیردولتی را در نظر بگیرد و آثار این بسته حمایتی آمریکا را که حدود دو دهه در اقتصاد ایران آثار مختلفی برجای گذاشت، تحلیل کند.

۲. چهارچوب نظری

گازپوروسکی در سیاست خارجی آمریکا و شاه به تعریف نوعی «رابطه دست‌نشانده‌گی» در بین کشورها می‌پردازد که به نفع دو طرف و متوجه امنیت ملی و بین‌المللی دو کشوری است که از حیث وسعت، ثروت و قدرت تفاوت فراوان دارند (گازپوروسکی، ۱۳۷۱، ص. ۱۲). در این رابطه، ویژگی‌های هر کشور منحصربه‌فرد است و تفاوت‌هایی اساسی بین آن‌ها وجود دارد. در یک‌سوی کشور حامی قرار دارد و در سوی دیگر یک کشور دریافت‌کننده و دست‌نشانده که متضمن مبادله دوجانبه کالا و خدماتی است که برای افزایش امنیت حامی و دست‌نشانده ضرورت خواهد داشت و عموماً نمی‌توانند از منابع دیگر آن‌ها را به دست آورند. در این تعریف، نابرابری دو طرف و اتکای یکی بر دیگری مشهود است. حامی، نوعاً برای دست‌نشانده کمک اقتصادی شامل وام، اعانه، توصیه‌های فنی و انتقال غیرمستقیم از قبیل سهمیه‌های وارداتی و کمک‌های کالایی و دستیاری امنیتی از جمله آموزش، ارتباطات و تجهیزات برای نیروهای نظامی، پلیس و نیروهای امنیتی کشور دست‌نشانده را تأمین می‌کند. توافق‌های امنیتی از قبیل معاهده‌ها، اتحادها و تعهدهای غیررسمی پشتیبانی و در ادامه، مداخله‌های آشکار و پنهان در سیاست داخلی کشور دست‌نشانده صورت می‌گیرد. این کالا و خدمات به خاطر نقش حساس و حیاتی آن‌ها برای کشور دست‌نشانده، ابزار دست‌نشانده‌گی می‌گردد. در عوض، کشور دست‌نشانده می‌تواند خدماتی را تأمین کند که به امنیت اقتصادی و سیاسی حامی می‌افزاید. ممکن است قبول کند که به‌عنوان پلیس منطقه از جانب حامی خدمت کند و حافظ منافع وی باشد (گازپوروسکی، ۱۳۷۱، صص. ۱۶-۱۲).

هر چه زمان و وابستگی به این نوع رابطه برای دو سوی این رابطه طولانی‌تر می‌گردد، آثار آن پیچیده‌تر و شمولیتش بر حوزه‌های جدیدی گسترش می‌یابد و بر سرعت و کیفیت خدماتی که به کشور دست‌نشانده عرضه می‌گردد، اثرگذار است. چنین رابطه‌ای فطری و مورد نیاز جامعه نیست، بلکه برآورنده اهداف دستگاه حاکمه است. هر اقدام از سوی دو کشور حامی یا دست‌نشانده، گروگان اقدام دیگری برای پیشبرد اهداف ملی یا بین‌المللی می‌گردد. از این رو، هر کمک اقتصادی و فنی، دستیاری امنیتی، حمایت از حکومت پهلوی (کشور دست‌نشانده) در مقابل دشمنان خارجی و اپوزیسیون داخلی، گروگان نوعی اصلاح و همراهی سیاسی با آمریکا (حامی) قرار می‌گرفت.

مطابق این نظریه، انگیزه و اشتیاق ایران دوره پهلوی دوم به کمک‌های آمریکا دوسویه بود: از سویی آمریکا در یک منطقه استراتژیک و ژئواستراتژیک، راه‌های دسترسی به خطوط حیاتی کشتیرانی، نفت و انرژی را کنترل می‌کرد؛ از منابع عمده مواد اولیه، خام و حیاتی منتفع می‌شد و از دسترسی رقبای تجاری و سیاسی خود به آن‌ها جلوگیری می‌کرد. در سوی دیگر هزینه‌های زیادی صرف برنامه کمک‌های خارجی آمریکا به ایران گردید که عمدتاً مشاوره‌های فنی بود. هدف این مشاوره‌ها، ایجاد تغییرات فکری و نهادسازی با رویکرد مدرنیزاسیون بود. ولی بی‌توجهی به اقلیم و جامعه ایران که زیرساخت‌های لازم برای پذیرش چنین تغییراتی نداشت، منتج به ناکارآمدی و وابستگی مضاعف گردید و ثبات هیأت حاکمه به مداخله مستمر کشور حامی متصل شد.

۳. مقدمات رشد و توسعه اقتصادی ایران

از دیرباز، کشاورزی نقش محوری در زندگی و معیشت جامعه ایرانی ایفا کرده و همواره به‌عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه کشور مورد توجه بوده است. پیش از ورود کارشناسان آمریکایی، کشاورزی ایران عمدتاً به شیوه‌های سنتی انجام می‌شد و در مناطق کم‌آب جنوب، مرکز و شرق کشور، از قنات‌ها برای تأمین آب استفاده می‌گردید. یکی از نخستین اقدامات بخش فنی برنامه کمک‌های آمریکا، آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص و ایجاد تشکیلاتی در وزارت کشاورزی و سایر سازمان‌های مرتبط برای روزآمدسازی کشاورزی و سودآوری محصولات تولیدی بود. از جمله این اقدامات می‌توان به تأسیس دانشکده کشاورزی کرج، ایجاد مدارس فنی و حرفه‌ای کشاورزی، تأسیس بنگاه توسعه کشاورزی و اجرای طرح‌های کشاورزی در مناطق مختلف اشاره کرد. آموزش و توسعه شیوه‌های نوین آبیاری، پرورش دام، طبقه‌بندی خاک، استفاده از انواع جدید بذر، کودها و سموم متناسب با ویژگی‌های هر خاک و هر محصول، انتقال فنون مدرن کشت و واردات ابزار و تجهیزات سنگین کشاورزی از دستاوردهای مهم انتقال دانش از طریق این برنامه‌ها بود. استفاده از آب چاه، تلمبه‌های برقی و انتقال مصنوعی آب از زیرزمین به مزارع با بهره‌گیری از تجهیزات آمریکایی برنامه اصل چهار، تحولی انقلابی در کشاورزی و تولید محصولات کشاورزی ایران به شمار می‌آمد (بصیرت‌منش، ۱۳۹۹، ص. ۱۹۰). یکی از سیاست‌های عمرانی

که به منظور اجرای برنامه‌های توسعه کشاورزی و تقسیم ارضی دولت صورت پذیرفت، تشکیل شوراهای ده بود. هیأت عملیات اقتصادی آمریکایی با آموزش‌های اداری و تأمین منابع مالی برای اعطای وام‌های کشاورزی و پروژه‌های عمرانی، از این شوراها حمایت می‌کرد (U.S. Agency for International Development, 1985, pp. 21-23).

از دیگر مقدماتی که برای رشد اقتصادی ایران مورد نظر بود، توسعه زیرساخت‌های صنعتی بود که از طریق انتقال تکنولوژی، ارائه وام‌های بلندمدت برای گسترش کارخانجات، ساخت نیروگاه‌های مختلف و بهبود سیستم ارتباطات صورت پذیرفت. این امر، پیش‌نیاز توسعه صنعتی و کشاورزی محسوب می‌شد. کارشناسان آمریکایی دریافتند در راستای مدرن‌سازی، راه اصلاح ایران از ارتقای امور زیربنایی کشور می‌گذرد. اصلاح راه‌های اصلی، بنادر، فرودگاه‌ها، راه‌آهن، شبکه مخابرات و تجهیزات آبرسانی از این قبیل بودند که عموماً اداره عملیات اقتصادی آمریکا با سازمان برنامه همراهی یا کمک مالی می‌کرد (گازپوروسکی، ۱۳۷۱، ص. ۱۸۶). رفاه اجتماعی و بهداشت عمومی حوزه دیگری بود که به تخصیص بودجه نیاز داشت. در این راستا، برنامه‌هایی برای آموزش و تربیت نیروی انسانی در سطوح مختلف از جمله کارآموزی در روستاها آغاز گردید که افراد به ارائه خدمات بهداشتی اولیه به مردم روستاها می‌پرداختند. از سوی دیگر، بورسیه‌ها و کمک‌های مالی برای تربیت کادر درمانی در مراکز علمی و دانشگاهی نیز در دستور کار قرار گرفت. برنامه بهداشت همگانی که با همکاری مدارس و دانشگاه‌ها طراحی شده بود، به روستاها منتقل گردید و در نتیجه تجهیزات دارویی، پزشکی و آزمایشگاهی به میزان چشمگیری افزایش و در سطح استان‌ها توزیع شد.

کارشناسان آمریکایی با هدف ارتقای وضعیت کشور و مطابق با نیازهای جمعیتی و الزامات اقتصادی، به بازنگری و بهبود کارایی نظام اداری پرداختند. آن‌ها برای طراحی ساختار جدید در تمامی وزارتخانه‌ها، اقداماتی را به انجام رساندند. در این مسیر، گروه‌های علمی مدیریت عمومی دانشگاه‌های مختلف، از جمله دانشگاه یوتا و دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، به منظور ارتقای سیستم اداری کشور کمک کردند (U.S. Agency for International Development, 1985, pp. 23-28). در این طرح، تمامی وزارتخانه‌های کابینه دولت از نظر سازمانی و فرایندی ارزیابی شدند تا کارایی اجرایی آن‌ها بهبود یابد.

علاوه‌براین، برای بهبود رویه‌های مدیریت مالی در زمینه‌های حسابداری، بازرسی، بودجه و مدیریت مالیات، برنامه‌های ویژه‌ای آغاز گردید. در راستای ایجاد یک سیستم اصلاحات آماری، مکانیسم‌های جدید برای جمع‌آوری داده‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی طراحی و اجرا شد. همچنین برای تقویت تمرکززدایی اداری و اصلاح فرایندهای مدیریتی، مراکز جدیدی برای مدیریت امور مالیاتی، بودجه و شهرداری‌ها تأسیس گردید. از جمله این مراکز، مؤسسه امور اداری دانشگاه تهران بود که بخش عمده‌ای از کادر آموزشی آن از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های آمریکایی تشکیل می‌شد (U.S. Agency for International Development, 1985, pp. 23-28).

گزارش‌های کمیته‌های تخصصی کنگره آمریکا در نیمه دهه چهل نشان می‌داد که همکاری میان دولت ایران، سازمان‌های ایرانی و هیأت عملیات اقتصادی آمریکا بهبود یافته است. دولت ایران به تدریج موفق شده بود که موانع اجرای برنامه‌های عمرانی را کاهش دهد و روند مبادلات پولی و واردات کالاها را بهبود بخشد (یونا و نانز، ۱۳۷۸، صص. ۴۶۰-۴۵۶). در این دوره، دولت ایران نسبت به دهه‌های قبل رشد قابل توجهی در درک مسئولیت‌های خود نسبت به مردم و نیازهای کشور به نمایش گذاشت. برخلاف گذشته که بیشتر به رفع نیازهای فوری توجه می‌شد، این بار حکومت توانست برنامه‌های بلندمدت و مشخصی برای اداره کشور طراحی کند و به آینده فکر کرده و در راستای تحقق آن اقدامات جدی انجام دهد و قدم‌های بزرگی برای رشد و توسعه اقتصادی کشور برداشته بود.

بخشی از اعتباری که آمریکا به صورت وام بلاعوض، کمک‌های اضطراری یا وام به ایران می‌داد، خرید نقدی تجهیزات و صرف مواد لازم از محصولات کارخانه‌های آمریکا بود، یا صرف تدارکات از آمریکا، کرایه حمل و نصب به ایران می‌گردید. تجهیزاتی که در صورت قدرت اقتصادی ایران، امکان فراهم کردن آن‌ها از کشورهای دیگر هم وجود داشت. علاوه‌براین، از شروط قراردادهای کمک‌های اقتصادی و مشاوره‌ای آمریکا این بود که ایران موظف بود از وضعیت اقتصادی و نیروهای مسلح خود گزارش بدهند، از ملی کردن شرکت‌های خصوصی آمریکایی اجتناب ورزند و شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری خصوصی آمریکا را فراهم آورند. براین اساس، وجوه کمکی می‌بایست صرف خرید کالاها از آمریکا می‌شد (اسکندریان، ۱۴۰۰، ص. ۶۳).

۴. توزیع نابرابر و بی‌برنامه ثروت و فناوری

در سال ۱۳۲۹ که اداره اصل چهار در ایران شروع به فعالیت کرد، برنامه اول عمرانی توسعه در جریان بود که به دلیل گستردگی حوزه عملیات اجرایی، تأخیر در دریافت وام از بانک ترمیم و توسعه و در نهایت تحریم نفتی و درآمدهای نفتی ایران از سوی انگلیس تقریباً متوقف شده بود. مقرر شده بود از کمک‌های اصل چهار، برخی از مشکلات بودجه‌ای طرح‌های مصوب برنامه مرتفع گردد و سبب نجات این برنامه باشد. گزارش‌های کنگره آمریکا عملکرد کمک‌های دولتی و شرکت‌های آمریکایی حاضر در ایران را که با سفارت آمریکا در تهران در تماس بودند، بررسی کردند و نحوه اجرای طرح‌های مربوط به اصل چهار ترومن، وام‌های بانک‌های بین‌المللی آمریکا و کمک‌های بنیادهای خیریه و مشاوره‌ای مورد بررسی قرار دادند. در ابتدا تصور می‌شد، طرح‌های عمرانی تصویب شده یا مورد حمایت اصل چهار، در موقعیت مناسب برای آموزش و ارائه روش‌های پیشرفته صنعتی، فراهم گردیده و این طرح‌ها از نظر جغرافیایی، موقعیت استراتژیک و بر اساس پراکندگی جغرافیایی جمعیت و مراکز تولید کشاورزی تصویب شده‌اند (همراز، ۱۳۸۱، صص. ۱۸۳-۱۸۲).

در دوره ریاست جمهوری آیزنهاور در آمریکا، با توجه به شرایط جهانی کمونیسم و پیروزی‌های طرفداران آن در چین و مناطق دیگر جهان، هر ساله با دادن اطلاعات کلی و مبهم، از کنگره آمریکا کمک‌های ثابتی برای ایران درخواست می‌شد که در ابتدا موقتی بودن آن به دولت ایران و کنگره اعلام شده بود. این ابهام و کلی‌گویی در طرح درخواست بودجه به کنگره، ناشی از آگاهی از این موضوع بود که ارائه تصویر روشن و دقیق، موجب تقلیل بودجه خواهد شد. معمولاً کنگره شرحی در زمینه برنامه‌ای فرضی دریافت می‌کرد که در صوت تأمین هزینه‌های آن، ممکن است به اجرا درآید. باوجوداین، تصویب بودجه مزبور از جانب کنگره، قوه اجرایی (دولت) را ملزم به صرف آن در اقدامات مورد اشاره در توضیحات طرح فرضی نمی‌کرد (یونا و نانز، ۱۳۷۸، ص. ۴۵۳).

بررسی کنگره آمریکا نشان داد که حمایت از طرح‌های کلیدی در برنامه اول بر اساس معیارهای دقیقی نبوده، بلکه از ویژگی‌های سیاسی در یک دوره زمانی و حتی احتمالاً، آثار ارتباط با صاحب‌منصبان برای انتقال ثروت، سرمایه و فناوری به یک

منطقه خاص بهره برده‌اند. اداره اصل چهار ایران به حیف و میل، استفاده نابجا، انتخاب نامناسب طرح‌ها، مکان‌یابی نادرست طرح‌های صنعتی و اهمال در انجام وظایف متهم شد (استادوخ، ۱۳۳۶، ک ۲۶، پ ۸۸). بخشی از کمک‌های اصل چهار نیز به حل مشکل و صرف مخارجی گردیده بود که پیش از ورود اصل چهار به ایران ایجاد شده بود. نتایج گزارش کنگره آمریکا، حاکی از به هدف نخوردن کمک‌های مختلف به اهداف معین، عامل بی‌نظمی مالی و مصرف نابجای سرمایه، حیف و میل اعتبارات از سوی کارشناسان اصل چهار به دلیل ناآشنایی به امور اداری و تشکیلاتی ایران بود (مارجا، ش ۱۵۴۳۵). کنگره آمریکا در پایان بررسی‌های خود، اعلام کرد آنچه به نام برنامه کمک‌های فنی و مالی خوانده می‌شود و سالانه میلیون‌ها دلار برای دولت آمریکا خرج برداشته است، به هیچ وجه نه جنبه کمک فنی داشته و نه اقتصادی. تنها به کار بردن روش ویژه‌ای بوده است برای شناور نگه داشتن اقتصاد ایران در طول سال‌های مناقشه نفتی با کشور انگلیس (یونا و نانز، ۱۳۷۸، صص. ۴۵۳-۴۴۹). بر همین اساس، کمک‌های مالی آمریکا به ایران در طول چند سال، نتیجه‌ای جز تبدیل این کشور به نمونه‌ای از فساد و استبداد نداشت. کمیته بررسی بر این عقیده بود که این کمک‌های کلان، برای کشوری با منابع نفتی فراوان که قادر به انجام برنامه‌های عمرانی خود بدون نیاز به کمک‌های خارجی بود، به‌طور غیرمنطقی و غیرقابل توجیه هزینه شده بود. این کمک‌ها در نهایت تنها باعث افزایش ثروت فرصت‌طلبان و سودجویان شد و فاصله و نابرابری شدیدی میان آن‌ها و سایر بخش‌های جامعه ایجاد کرد (مهدوی، ۱۳۸۰، صص. ۲۵۰-۲۴۹).

پاسخ هیأت اصل چهار ایران به انتقادات کنگره آمریکا در توزیع نابرابر و علت سرمایه‌گذاری نکردن در طرح‌های دیگر این بود که پروژه‌های مذکور نقش کمی در رسیدن آمریکا به اهدافش، یعنی اغنای ذهنی مردم ایران و دور کردن آن‌ها از ایده گرایش به کمونیسم به مثابه سعادت، داشتند. بر این اساس، هزینه سرمایه‌گذاری در کمک‌های فنی در بین این سال‌ها با شتاب‌زدگی، متوهمانه و بدون در نظر گرفتن شرایط نیازمندی‌های مطابق با زمان و با مدیریتی مال‌اندیش ایجاد شده که این فرایند به نتایج اجتناب‌ناپذیری ختم شده بود.

نکته ویژه‌ای که این گزارش به آن اذعان داشت و در سال‌های بعد به دفعات به اثبات رسید، این بود که کمک‌های آمریکا به‌ویژه از ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۶ به بیش از چند صد میلیون دلار رسیده بود. این رقم در قیاس با بودجه سالانه ایران دهه سی مبلغ کمی نبود. دولت‌های ایران به تدریج کسری بودجه خود را با کمک‌های آمریکا مرتفع می‌کردند؛ به عبارت دیگر، به جای استفاده از کمک‌های اعطایی در بخش عمرانی، برای امور اداری و پرداخت حقوق کارکنان و امور شخصی دربار مصروف می‌گشت و با توجه به ارتباطات شکل گرفته، تقریباً کارشناسان مالی آمریکا نیز بر این امر هیچ کنترلی نداشتند (بلیک، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۸). تصور از آمریکا در این سال‌ها، موجب شکل‌گیری توهّم «گنج بی‌پایان آمریکا به پایان نمی‌رسد» گردیده بود (یونا و ناز، ۱۳۷۸، صص. ۴۵۳-۴۴۹). مطابق تصور ایرانیان به نظر می‌رسید چون از آسمان باریده است، از آن ایشان است. پیگیری نحوه اقدام هیأت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران نیز نشان می‌دهد که با توجه به شرایط و توانایی مشخص اقتصاد ایران برای جذب این مبالغ، این فرض در کار بوده است که تنها صرف نمودن سریع بودجه کمک آمریکایی و درخواست کمک‌های بعدی در میان بود. نه اینکه واقعاً توان اقتصادی ایران و مردم ایران به آن سطح رسیده باشد. گزارش‌ها نشان می‌دهد آن دسته از کارکنان ایرانی یا کارشناسان اعضای هیأت عملیات آمریکایی که با ماهیت خارج از کنترل طرح‌های و هزینه‌ها اعتراض کردند، یا تأدیب شدند یا به ناشایستگی متهم شدند (ابتهاج، ۱۳۷۱، ص. ۳۶۷). این امور باعث گردید که هم نابرابری در بودجه سال‌های بعد دولت ایجاد گردد و هم در سطح زندگی طیفی از جامعه متأثر شود.

آیا فهرست کردن برخی از برنامه‌های عمرانی از سوی دولت‌های ایران، صوری و برای به دست آوردن منبعی از ارز خارجی بود تا کسری بودجه کشور را رفع کنند؟ به‌خصوص اینکه سهم کمک‌های ایران در این طرح‌های توسعه، چیزی بیش از زحمت یک اسم نبود. کسری بودجه هم بیش از آنکه مربوط به عدم وجود منابع و درآمد باشد، به دلیل استمرار توجه به دلارهای آمریکا و نتیجه روش‌های مدیریت مالی مسرفانه بود؛ چراکه پس از انعقاد قرارداد کنسرسیوم نفت و بازگشت عایدات ایران از درآمد نفتی، درآمدها برای تأمین بودجه و اهداف عمرانی مکفی بود. شاید حتی به توان گفت دستاورد عمده

ایران در این زمینه، نه فناوری آمریکا، بلکه دلارهای آمریکا بود. دولت‌های ایران عموماً با دریافت کمک از آمریکا به صورت وام مخالف بودند و به کمک فنی و مشاوره‌ای، ولی بلاعوض میل بیشتری نشان می‌دادند.

کمک‌های فناورانه‌ای که اصل چهار در بخش‌های کشاورزی، صنعت، نظام اداری و سیستم بهداشتی عرضه می‌کرد، بهتر از بخش توزیع ثروت و سرمایه نبود. این کمک‌ها نه فقط مواجه با نقص برنامه‌ریزی، بلکه دچار کمبود و توزیع نابرابر فناوری‌های جدید بودند. برخی از کمک‌ها در بخش کشاورزی چنان پراکنده و در نقاط کوچکی ارائه می‌شد که نتوانست تغییر مورد نظر در ساختار و فرهنگ کشاورزی دیرپای ایران برجای بگذارد. اهداف سیاسی و تبلیغی در پس پرده برنامه‌ریزی بسیاری از طرح‌ها، به شتاب‌زدگی و اجرایی شدن آن‌ها، پیش از پذیرش و درک از سوی همه مردم انجامید. همیشه امکانات برای تغییر در نوع کشت در دسترس همگان نبود و از آن به عنوان یک نمونه یا الگو نام برده می‌شد؛ ولی همه گیر و پذیرش عام نمی‌یافت. به علاوه، پیچیدگی‌های اداری و مالی چه در آمریکا و چه در ایران و تغییرات مکرر در سیاست‌های مالی و اداری دو کشور هم بر توزیع نابرابر، انحراف از اهداف و ناکارآمدی اثر می‌گذاشت. از جمله در زمان نخست‌وزیری مصدق، به دلیل قطع درآمدهای ارزی نفت، بیشتر کمک‌های ارزی اصل چهار به جای هزینه در طرح‌های کشاورزی به تأمین هزینه دانشجویان شاغل به تحصیل در آمریکا اختصاص یافت (نعمتی، ۱۴۰۱، ص. ۸۸).

کارکنان آمریکایی پروژه‌های مختلف صنعتی سعی در موجه کردن هزینه‌های این طرح‌ها داشتند و گزارش‌های مستمری می‌دادند که این کارخانه‌ها و پروژه‌های صنعتی، نه تنها برای اقتصاد ایران شدیداً ضرورت دارند، بلکه علائم بی‌نظیری از امکان‌پذیری این تعهدات هستند. ولی پس از چند سال به علت ضعف در برنامه‌ریزی و مهندسی غلط، هنوز کامل نشده یا قادر به راه‌اندازی نبودند. آن‌ها به عنوان مظاهر و بناهای یادگاری یک برنامه کمک سرهم‌بندی شده به نظر می‌رسیدند. یکی از نمونه‌های این طرح‌ها سد کرج بود. هزینه‌های چند میلیون دلاری برآورد شده اولیه برای ساخت سد که به دولت آمریکا ارسال شد، در نهایت نه فقط هیچ‌گونه ساختمانی بر روی رودخانه کرج

آغاز نشده بود، بلکه در عمل صرفاً یک جاده در اطراف سد ساخته شده بود (یونا و نانز، ۱۳۷۸، ص. ۴۵۳).^۱

۵. ناکارآمدی و تبلیغی بودن کمک‌ها

سؤالی که در بررسی اثربخشی و کارآمدی کمک‌های مالی و فنی آمریکا به ایران باید مورد توجه قرار گیرد این است که آیا این کمک‌ها، همان‌طور که در تبلیغات مختلف به آن اشاره می‌شد، به پیشرفت و انتقال اندیشه‌های مدرن منتهی شد؟ بخش عمده‌ای از هزینه‌های برنامه اصل چهار صرف مشاوره‌های فنی شد. معمولاً مشاوره‌های فنی در بلندمدت نتایج مثبت به همراه دارند. ازاین‌رو، حتی اگر هدف این مشاوره‌ها ایجاد تغییرات فکری و نهادسازی باشد، در محیط‌هایی که زیرساخت‌های لازم برای پذیرش آن وجود نداشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که این تلاش‌ها به نتایج مفیدی بینجامند.

کارشناسان آمریکایی در سال‌های اولیه ورود به ایران با شرایط اقلیمی، اجتماعی و فرهنگی ایران آشنا نبودند و برنامه ابتدایی ایشان آزمایشی و برای شناخت و دستیابی به نتایج بدون قطعیت بود. به‌علاوه، مبارزه و فشار رسانه‌های کمونیستی، نیروهای مذهبی و همچنین بی‌صبری جامعه ایران، بر فعالیت هیأت عملیات آمریکایی برای حصول به نتایج فوری اثر گذاشت. هدف هیأت آمریکایی اصل چهار این نبود که توسعه روستایی ایران از قرن چهاردهم هجری، به قرن بیستم (میلادی) جهش پیدا کند؟! آنچه اهمیت داشت تغییر ذهنیت کشاورزی و مدرن‌سازی بود که الزامات و اقتضائات آن همچنان لاینحل

۱. احمد آرامش در کتاب خاطرات خود نوشته است: این شرکت موریسون ندسون در زمان ساخت سد کرج با همکاری اداره اصل چهار که رئیس آن ویلیام وارن بود، صورتی برای خرید ماشین‌آلات بزرگ به دولت ایران ارائه می‌کند و چند روز بعد در حال که بیست میلیون دلار مخارج آن را از دولت ایران می‌گیرد، همین دستگاه‌ها را از انبار اداره اصل چهار ایران به نام فروش به دولت ایران به انبار سد کرج منتقل می‌کنند. براین اساس، دستگاه‌هایی که با نام وام بلاعوض به دولت ایران تحویل داده شده بود، با گرفتن بیست میلیون دلار از دولت به ایران داده شد (آرامش، ۱۳۷۱، ص. ۲۳۵).

مانده بود. زمانی که هیأت عملیات اصل چهار به همکاران و کارشناسان آمریکایی خود می‌گفتند باید ایران را از درون دهه‌های از دست رفته، گام به گام رشد و پیشرفت دهیم، همه تمسخر یا حمله می‌کردند (وارن، ۱۳۹۴، ص. ۳۳۵).

از نظر بسیاری برنامه بلند مدت هیأت آمریکایی بسیار کند پیش می‌رفت و رسیدن به انتظارات و پیش‌بینی‌های قبلی هر روز سخت‌تر به نظر می‌رسید. این تأخیر و تعویق برنامه‌ها، خواه یا ناخواه سبب عصبانیت و اوقات تلخی می‌شد و بعضاً به درگیری یا ناآرامی می‌انجامید.^۱ در مواقعی فشارها چنان بود که حتی نخست‌وزیر و حامیان هیأت آمریکایی از واکنش عمومی هراس داشتند و استدلال می‌کردند که باید پروژه با فعالیت‌های پررنگ تبلیغی نشان داده شود که کارهایی در حال انجام است (وارن، ۱۳۹۴، ص. ۳۳۴). برنامه‌های آموزشی و کارآموزی که عمدتاً بلندمدت بودند، تنها در صورت اجرای تدریجی چنین برنامه‌هایی امکان تغییر در رویه‌ها و ساختارهای جامعه ایران وجود داشت؛ اما به دلیل محدود بودن این برنامه‌ها به مناطق خاص و دستیابی آهسته و تدریجی به نتایج، اثر آنها به‌طور ملموس کمتر به چشم می‌آمد.

یکی از دلایل ناکارآمدی اصل چهار مربوط به شروع کارهای متعدد به‌طور هم‌زمان در جبهه‌های مختلف بود که به پراکنده شدن تلاش‌های آنها در حوزه‌های مختلف می‌انجامید و اثرگذاری واقعی در هر حوزه را به‌شدت کاهش می‌داد. اگرچه این گسترده نشان دادن عملیات و ارائه کارهای نمایشی و تبلیغی برای جذب جامعه و دولت بود؛ ولی همان نیز دلیل بی‌ثمر گشتن آنها می‌گردید. پریدن از این شاخه به آن شاخه برای حل مسائل مرکزی، بدون توجه به مشکلات اولیه و فرعی، دلیل اصلی ناکارآمدی بود.

۱. به عقیده عزت‌الله سبحانی کمک‌ها و برنامه‌های اصل چهار خیلی به چشم نمی‌آمد، علاوه بر این، در طرح‌های سازمان برنامه و گروه ابتهاج نیز هزینه و ریخت و پاش زیادی وجود داشت. مهندسین و کارشناسانی که از آمریکا و دیگر کشورها می‌آمدند، پس از چند سال به اخلاق فاسد بوروکراسی دستگاه حاکمه ایران عادت کرده و آنها نیز فاسد می‌شدند و رشوه گرفتن را یاد می‌گرفتند و کارهای جعلی و طول دادن به پروژه‌ها را آموختند؛ به عبارت دیگر، محیط فاسد، حتی بهترین کارشناسان را همراه خود می‌کرد (بصیرت‌منش، ۱۳۹۹، ص. ۲۰۳).

دلیل دیگر ناکارآمدی این بود که برنامه کمک‌های خارجی آمریکا به ایران عموماً مبدل به افزودن سرمایه شخصی شاه و دربار گردیده بود؛ هم فساد مالی را افزایش داد و هم استبداد و فضای بسته سیاسی را ایجاد کرد (بصیرت‌منش، ۱۳۹۹، صص. ۲۴۳-۲۴۲). در بُعد اقتصادی، کمک‌ها متناسب با وضعیت کشور ایران و نهادهای سنتی که زمینه‌های عرفی و دینی دقیق و پیچیده‌ای داشتند، نبود و حتی در برخی مناطق پس از اصلاحات ارضی، تعادل اقتصادی مخدوش و نیاز به تزریق مستمر کمک‌های مالی و فنی از خارج به عادت مبدل گردید.

بی‌نظمی و سوءاستفاده مالی از بودجه و کمک‌های مالی آمریکا، انحرافات مختلفی را در نظام مالی ایران ایجاد کرد (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲). برنامه کمک‌ها به تدریج به گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی در ایران و دور شدن از استفاده کالاهای تولید داخلی انجامید، تجار را راغب به وارد کردن لوازم یدکی آمریکایی کرد (کریمیان، ۱۳۸۱، ص. ۱۶۲). موانع زیادی بر سر راه مکانیزاسیون وجود داشت. ماشین‌آلات صنعتی که در سال ۱۳۳۰ از آمریکا سفارش داده شد، باعث شرمساری دولت در سال‌های بعد گردید. بسیاری از این ماشین‌آلات برای استفاده کاربردی در مزارع روستاهای ایران بسیار بزرگ بودند. برای مثال، یکی از مشکلاتی که بر ناکارآمدی کمک‌ها در حوزه کشاورزی مؤثر بود، اراضی کشاورزی که زارعان و رعایای انفرادی اداره‌اش می‌کردند، برای استفاده بهینه از تراکتور بسیار کوچک بود. با در نظر گرفتن عدم آشنایی مردم روستاها با ماشین‌آلات، نبود مکانیک و مراکز تعمیرات، مسائل را پیچیده‌تر هم کرد. بسیاری از کشاورزان بر اساس اقتصاد سودمحور و بهره‌برداری از محصول فراوان عمل نمی‌کردند و به آن اهمیتی نمی‌دادند. ولی برای تأمین سوخت دیزل، بنزین و روغن ماشین‌آلات و مسائل دیگر، محصول بیشتر و پول اضافه بر مصرف ضروری بود (وارن، ۱۳۹۴، صص. ۳۳۵-۳۳۴).

اهداف خاص آمریکا از ارائه این کمک‌ها نیز امکان کارآمدی بیشتر را کم اثر کرده بود. تعدد سازمان‌های دست‌اندرکار توسعه اجتماعی و اقتصادی و نبود دستگاه منفردی برای جهت بخشیدن به تلاش‌های و ایجاد هماهنگی در آن‌ها با کمک آمریکا عامل مؤثری در ناکارآمدی گردید. این امور بخصوص پیش از حضور ابتهاج در سازمان برنامه و پس عزل وی بیشتر به چشم می‌آمد. حتی باوجود سازمان برنامه که در حقیقت مدیریت پروژه‌های

پیشنهادی اصل چهار را پیگیری می‌کرد و تنظیم مالی آن را در دست داشت، رویه‌های دستوری و همچنین شیوه‌های عمل از بسیاری جهات ناقص بودند. چنان‌که حساب‌رسان کمیته بررسی کنگره آمریکا نشان دادند، ضعف‌های اساسی در نظارت بودجه‌ای، بیلان مالی، تلخیص بودجه و نظارت‌های داخلی وجود داشت و در نهایت نتیجه گرفتند که حساب‌های مزبور، «حساب‌ناشدنی» هستند (یونا و نانز، ۱۳۷۸، ص. ۴۶۰).

۶. وابستگی اقتصادی و فنی به آمریکا

جان فاستر دالاس وزیر امور خارجه دولت آیزنهاور نقل می‌کند: «برای تصرف یک کشور خارجی دو راه وجود دارد؛ یکی برقراری کنترل نظامی بر مردم یک کشور با نیروهای مسلح و راه دیگر برقراری نظارت بر اقتصاد کشور با سیاست مالی» (اسکندریان، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۲). این کاری بود که آمریکا در ایران پیش گرفته بود. کمک‌های آمریکا، ایران را به وابستگی مالی و افزایش بدهی‌های خارجی کشاند. ایران برای بازگرداندن اصل و فرع بدهی‌ها، دوباره به خود آمریکایی‌ها رجوع می‌کرد. از نظر تکنولوژیک نیز مستمر نیازمند کمک بود. بر همین اساس بود که آورل هریمن سیاستمدار آمریکا، آشکارا اعلام کرد «کمک‌های آمریکا در واقع صندوق کمک به خود آمریکاست» (اسکندریان، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۲)؛ اما این وابستگی اقتصادی و بودجه‌ای ایران به آمریکا، به چه میزان بود؟ پس از کودتا علیه دولت مصدق، آمریکا برای ثبات دولت زاهدی و نجات حکومت پهلوی دوم، کمک‌های گسترده‌ای عرضه کرد. با روی کار آمدن زاهدی، ماهانه مبلغ پنج میلیون و چهارصد هزار دلار از سوی خزانه‌داری آمریکا صادر و ویلیام وارن آن را به بانک ملی ارائه می‌کرد که با قیمت‌گذاری آن، حدود پانصد و هشتاد میلیون ریال به حساب وزارت دارایی واریز می‌گردید. ایران با این کمک توانست پس از چند ماه، تعهدات جاری‌اش را بپردازد و بانک ملی ارز کافی برای عرضه به واردکنندگان را در اختیار گرفت و بازار سیاهی که دلار را از ۱۰۰ ریال به ۱۳۲ ریال بالا برده بود، از بین برد (وارن، ۱۳۹۴، ص. ۳۷۱). روی هم رفته تا سال ۱۳۳۶ که درآمدهای نفتی ایران نیز برگشته بود، آمریکا شصت درصد کل هزینه‌های حکومت ایران را تأمین می‌کرد. در مجموع، وام‌ها و اعانه‌های آمریکا در دهه سی، حدود ۸۰ درصد هزینه‌های سازمان برنامه و ۲۱ درصد تشکیل سرمایه ثابت

داخلی ناخالص در این دهه بود (گازپورسکی، ۱۳۷۱، صص. ۱۸۳-۱۸۲). هرچه به پایان دهه سی نزدیک‌تر می‌شویم، این رقم کمتر می‌گردد. به نحوی که موتور محرک اقتصاد ایران در دهه سی، کمک‌های متنوع اعطایی آمریکا بود.

یک نمونه از بازتاب شیوه کلی مصرف کمک‌های آمریکا و میزان وابستگی بودجه دولت ایران به این کمک‌ها را باید در نحوه مصرف و هزینه کرد کمک‌های آمریکا برای کمک به بودجه دولت زاهدی دریافت. از این کمک‌ها، ۲۷ میلیون دلار صرف پرداخت حقوق کارکنان دولت شد که در زمان دولت مصدق به علت مشکلات مالی همراه با محاصره نفتی، حقوق منظم پرداخت نشده بود. به‌طور مشخص، بخشی از این ۲۷ میلیون دلار برای حقوق کارکنان شرکت نفت، بخشی برای ارتش و ژاندارمری تخصیص یافت. کمک‌ها به بودجه دولت در این سال‌ها حتی برای کالاهای مصرفی، از قبیل قند و شکر، چای، دارو، خدمات شهری، مبارزه با بیماری‌های واگیر، هزینه ساخت مدارس و... تخصیص می‌یافت؛ به عبارت دیگر، پرداخت حقوق بخش کارکنان دولت و توزیع برخی ارزاق نیز وابسته به کمک‌های آمریکا گردیده بود. به تدریج آفت نگاه به توانمندی‌های آمریکا و چشم‌پوشی از ظرفیت‌های داخلی در الزام به دریافت این حجم از کمک‌های مالی و فنی آشکار شد. بیش از یک دهه ایران برای جبران ضعف‌های خود، وابسته به کمک گردیده بود. این امر اگرچه به تنوع و سرعت در توسعه کمک می‌کرد، ولی در تسریع و وابسته شدن به واردات و بی‌ارزش کردن کالاهای ایرانی در نظر ایرانیان به همان اندازه خسارت داشت؛ چرا که در طول یک دهه حجم صادرات آمریکا به ایران چندین برابر گردید (میلانی، ۱۳۹۳، ص. ۲۴۰).

این حجم از کمک‌ها صرفاً برای همراهی با دولت کودتا و بعد از آن پرداخت نمی‌شد، بلکه گزارش‌های مستمر کنگره و وزارت امور خارجه آمریکا از چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی ایران نشان می‌داد، رژیم برای بقای قدرت، به ارتش و نظامیان متکی شده بود و ثبات حکومت شاه، منوط به تحولات اقتصادی و اصلاحات اجتماعی و سیاسی گردیده بود. اگر در این زمینه پیشرفتی حاصل نمی‌شد، طبقات متوسط و پایین‌تر علیه سلطنت شورش می‌کردند. براین اساس، مستمر از شاه خواسته می‌شد برای اینکه در قدرت بماند، باید به سیاست هواداری از غرب و مقاومت در مقابل کمونیسم ادامه دهد و تداوم حمایت

و کمک‌ها، وابسته به آن است (بلیک، ۱۳۹۴، ص. ۱۰۶). از این رو، وابستگی مضاعفی هم در زمینه اقتصادی و هم برای بقای سلطنت ایجاد شده بود.

۷. سیاست‌زدگی کمک‌های مالی و فنی

ورود و پذیرش قرارداد کمک‌های اصل چهار در ایران و برخورداری از کمک‌های متنوع آمریکا در دهه سی زمانی در دسترس قرار گرفت که به گواه منابع، بیش از دوسوم جمعیت ایران در مناطق روستایی، عشایری و مراکز غیرشهری با امکانات بسیار کم و محروم زندگی می‌کردند. این محرومیت و فقر می‌توانست زمینه مناسبی برای فعالیت حزب توده و گروه‌های چپ طرفدار شوروی باشد. در شرایطی که جامعه نخبگانی ایران به‌سوی مرام‌های کمونیستی و ملی‌گرایانه گرایش می‌یافت، ثبات دستگاه حاکمه، بهترین گزینه ممکن برای آمریکا محسوب می‌گردید. همین ملاحظات، باعث شد برنامه‌های اصل چهار و کمک‌های مالی و فنی بر روی بهبود اوضاع کشاورزی، بهداشت، نظام آموزشی و در نهایت نظام اداری تمرکز یافت و به دنبال به تأخیر انداختن تغییرات و اصلاحات بود. این امر بیان‌گر اولویت هدف سیاسی بود، نه اقتصادی.

متأثر بودن برنامه‌های فنی و اقتصادی اصل چهار از تصمیمات سیاسی دولت‌های وقت و سیاست‌های آمریکا به ناکارآمدی و ناهماهنگی کمک‌ها انجامید و اثربخشی آن‌ها را با مشکل روبرو کرد. برنامه اول توسعه تحت تأثیر مستقیم آمریکا تقریباً در نهایت بی‌نتیجه ماند؛ چراکه به‌واقع بیش از یک‌سوم هزینه برنامه را از درآمد ایران مربوط به حق‌السهم از شرکت نفت ایران و انگلیس پیش‌بینی شده بود و یک‌سوم هم با وام‌های بانک ترمیم و توسعه. در ناکامی هر دوی این درآمدها آمریکا تأثیر مستقیم داشت (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۲، ص. ۱۰). حل نشدن غائله نفتی و تحریم نفت ایران و همراهی آمریکا با انگلیس، موجب حمله به ادارات اصل چهار و شعار «لانه جاسوسی و لانه فساد» علیه آن‌ها گردید. در نهایت، هم در ساقط کردن دولت مصدق، نقش اول را داشتند. این سیاست‌زدگی کمک‌های اقتصادی، باعث سیاه شدن چهره آمریکا در این برهه گردید.

دولت‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد در ایران با کمک‌های مختلف آمریکا و نوعی اتحاد بین ایران و آمریکا، تقویت شدند و این اتحاد به تضمین موجودیت رژیم ایران منتج

شد و حتی زمینه تسلط و تفوق منطقه‌ای ایران را در سایه حمایت آمریکا ایجاد کرد. به‌طورقطع، شکل سیاسی حکومت پهلوی، بدون کمک‌های مختلف آمریکا دچار تغییر یا به شکلی که تا سال ۱۳۵۷ دوام یافت، قابل تصور نیست و حتی می‌توان گفت، غیرممکن بود (هالیدی، ۱۳۵۸، ص. ۲۵۹).

علاوه بر کمک‌های آشکار آمریکا، سایر کمک‌ها از طریق ایستگاه سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا در تهران به انجام می‌رسید. مأمورین این ایستگاه درصدد بودند تا استحکام و مشروعیت رژیم را از طریق الگوهای، از جمله مذاکره با مخالفین، انجام فعالیت‌های تبلیغی و جنگ روانی فراهم آورند. به‌واقع، استحکام سیاسی این رژیم، مدیون ساختارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا بود. به همان میزان، اتخاذ رفتار سیاسی و جهت‌گیری سیاست خارجی همگرا با آمریکا بیشتر می‌شد (متقی، ۱۳۷۸، ص. ۱۸۸).

هر کمک اقتصادی، گروگان پیشبرد بخشی از منویات آمریکا می‌گردید و هرچه نیاز مالی و سیاسی دولت‌ها بیشتر بود، تنوع درخواست‌های آمریکا نیز بیشتر می‌شد و به‌طور رسمی در امور سیاسی کشور مداخله می‌کرد. در سال ۱۳۳۹، مقامات آمریکایی برای شاه روشن ساختند که امینی را بهترین گزینه برای نخست‌وزیری می‌شناسند. حتی شایع شد پرداخت کمک بلاعوض آمریکا را مشروط به انتصاب امینی کرده‌اند (مهدوی، ۱۳۸۰، ص. ۲۷۷). امینی نیز در زمان روی کار آمدن، درخواست یک وام درازمدت از آمریکا کرد؛ ولی آمریکا پرداخت هرگونه وامی را به اجرای برنامه اصلاحات ارضی مورد نظر خود موکول کرد.

یکی دیگر از مصادیق جهت‌گیری سیاسی ایران در قبال دریافت کمک‌های مالی و فنی آمریکا، به ورود هیأت شوروی به ایران در سال ۱۳۳۷ برمی‌گردد که از سوی شاه برای تحریک آمریکا انجام شد. این حرکت باعث تغییر دوباره رأی آیزنهاور و تماس هیأت آمریکایی با ایران و ورود آن‌ها برای مطالعه و ارائه کمک بیشتر گردید. بی‌دلیل نبود که خروشچف در یکی از نطق‌های خود، کمک‌های متنوع آمریکا را برای دور کردن ایران از شوروی معرفی کرد و مطرح شدن ورود هیأت شوروی، نزدیکی و انعقاد قراردادهای مالی مختلف را برای شاه ارمغان آورد؛ امری که از نظر خروشچف، ایران را وارد دشمنان شوروی کرده بود (کاتم، ۱۳۸۵، ص. ۲۴۱). بعد از اینکه شاه به انعقاد قرارداد با آمریکا

بازگشت، حملات رادیویی شوروی به ایران بی‌نهایت زیاد شد، به طریقی که نیویورک تایمز نوشت که تمام برنامه‌های شوروی به فارسی اختصاص می‌یابد به نحوی که از لحاظ برنامه، بعد از انگلیسی، دومین تعداد ساعت به فارسی اختصاص دارد (صداقت کیش، ۱۳۵۰، ص. ۷۶)؛ به عبارت دیگر، نزدیکی به آمریکا، سیاست دشمنی شدید شوروی را به همراه آورد. شاید بتوان ادعا کرد که این امر ایران را به جنگ سرد با شوروی وارد شد و مورد حملات شدید رسانه‌ای روس‌ها قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

ایران در دوره پهلوی دوم، به دلیل کمبود منابع اقتصادی، عدم درک و تفکر توسعه در بین مردم و حتی مقامات دولتی، تصمیم به دریافت وام و کمک‌های اقتصادی و مشاوره فنی از کشوری غیر از بریتانیا و شوروی گرفت. این تصمیم، به‌ویژه در شرایط بحرانی آن زمان، نوعی راه حل فوری و کوتاه مدت به نظر می‌رسید که می‌توانست ایران را از بحران اقتصادی نجات دهد. به تدریج، حقوق اقتصادی که آمریکا در ایران به دست آورد، پایه‌گذار نفوذ سیاسی آن کشور در ایران شد. این کمک‌ها اگرچه در ابتدا باعث رشد و تقویت بخش صنعت و بخش‌های زیرساختی کشور شدند، اما مشکلاتی که در مسیر اجرای این کمک‌ها ایجاد شد، به توسعه نامتوازن کشور انجامید. بزرگ‌ترین چالش این کمک‌ها، جزیره‌ای بودن و عدم توزیع آن‌ها در سطح سراسری کشور بود. این امر نه تنها به توسعه نابرابر کشور دامن زد، بلکه باعث شد مناطقی که از این کمک‌ها بهره‌مند نبودند، فاصله بیشتری با مراکز اقتصادی توسعه‌یافته پیدا کنند. پس از کودتای ۱۳۳۲ و تغییرات سیاسی به نفع شاه و آمریکا، ایران روزبه‌روز به الگوهای اقتصادی، اداری، فرهنگی و سیاسی آمریکا وابسته‌تر شد.

جهت‌گیری اصلی در کمک‌های مالی و فنی آمریکا، تغییر مبنایی سازمان‌های بومی و سنتی ایران و در صورت امکان، تغییر ماهیتی آن‌ها بود. آمریکا قصد داشت در درون لایه‌های اجتماعی جامعه ایران رسوخ کند و علاوه بر تربیت گروه‌هایی که حامی سیاست‌های غیرکمونیستی بودند، پایگاه‌های داخلی را برای حمایت از ارزش‌ها و الگوهای جهان آزاد آمریکایی پدید آورد. در این خصوص، باید به تربیت نخبگان در

دانشگاه‌های آمریکایی یا وابسته به آن توجه کرد. این افراد می‌توانستند جهان پیرامون را چنان شکل دهند که مورد نظر آمریکا باشد. ورود گروهی از نخبگان فنی، اداری و تکنوکرات‌های ایرانی با کمک‌های آمریکایی به ساختارهای دولتی، باعث تزریق الگوی اداری و مدیریتی آمریکا در کشور گردید. اجرای مدل‌های اقتصادی و اداری آمریکا که عمدتاً بر مبنای اصول سرمایه‌داری غربی و تمرکز بر رشد صنعتی و تجاری بود، باعث شد که نهادهای دولتی ایران به جای توجه به نیازهای اجتماعی و اقتصادی مردم، بیشتر به اولویت‌های استراتژیک و سیاسی آمریکا پاسخ دهند. این الگو از طریق آموزش‌های فرهنگی و فنی، نه تنها وابستگی ایران به آمریکا را پیچیده‌تر ساخت، بلکه زمینه‌ساز نفوذ عمیق‌تر این کشور در مسائل مختلف کشور شد.

بسیاری از تصمیمات اقتصادی و اجتماعی ایران به‌طور غیررسمی و به‌صورت پنهانی از طریق فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا اتخاذ می‌شد. نگرانی‌هایی که درباره امکان قطع کمک‌ها در صورت تغییرات سیاسی در ایران وجود داشت، موجب شد که دولت‌ها به اصلاحات واقعی، اصلاحات اساسی در ساختارهای حکومتی و اقتصادی توجهی نداشته باشند. به‌طور خاص، کمک‌های مالی و فنی از طریق «دولت به دولت» صورت می‌گرفت که این امر به‌خودی‌خود موجب تأخیر در روند اصلاحات و تغییرات اساسی در کشور گشت. در نهایت، سیاست کمک‌های خارجی آمریکا با وجود تأثیرات مثبت اولیه، نتوانست در مسیری قرار گیرد که به توسعه‌ای پایدار ایران منتج شود و در بلندمدت به عامل اصلی ناهماهنگی و عدم توازن در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران تبدیل شدند و پیامدهای آن تا سال‌ها پس از پایان دوره پهلوی دوم در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشور باقی ماند و عملاً وابستگی ایران به آمریکا را در ابعاد مختلف تقویت کرد و در درازمدت باعث تداوم سلطه‌گری و نفوذ آمریکا در ایران شد.

منابع

- آرامش، احمد (۱۳۷۱). پیکار با اهریمن: یادداشت‌های زندان. به کوشش خسرو آرامش، تهران: فردوس.
- ابتهاج، ابوالحسن. (۱۳۷۱). خاطرات ابوالحسن ابتهاج. تهران: علمی.
- اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ). ۱۳۳۶، کارتن ۲۶، پوشه ۸۸.
- اسکندریان، گوهر (۱۴۰۱). روابط ایران و آمریکا. ترجمه گارون سارکیسیان، تهران: ثالث.
- بصیرت‌منش، حمید. (۱۳۹۹). با تاریخ در صحنه: گفتگو با مهندس عزت‌الله سحابی. تهران: عروج.
- بلیک، کریستین. (۱۳۹۴). روابط خارجی ایران از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۱. ترجمه علی باقری دولت‌آبادی و حوریه دهقان، یاسوج: مخاطب.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۳۲)، شماره ۶۶۲۶.
- روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۹۲)، شماره ۳۱۴۰.
- سالمی‌قمصری، مرتضی، یزدانی، سهراب، فرهادی، مرتضی و مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۹). اصل چهار ترومن و امکان توسعه در ایران. برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی، ۱۱ (۴۳)، ۱۹۷-۱۶۱.
https://qjssd.atu.ac.ir/article_12132.html
[/doi./10.22054/qjssd.2020.53614.2014](https://doi.org/10.22054/qjssd.2020.53614.2014)
- صداقت‌کیش، جمشید (۱۳۵۰). روابط ایران و آمریکا در دهه پنجاه میلادی. تهران: دهخدا.
- کاتم، ریچارد. (۱۳۸۵). ناسیونالیسم در ایران، ترجمه احمد تدین. تهران: کویر.
- کرباسیان، اکبر (۱۳۷۸). تحلیلی بر نتایج اجرای اصل چهار ترومن در ایران. گزارش اقتصادی، ۱۰۷، ۶۴-۷۲.
<http://noo.rs/VuXEV>
- کریمیان، علیرضا. (۱۳۸۱). جنبش دانشجویی در ایران: از تأسیس دانشگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گازیوروسکی، مارک. (۱۳۷۱). سیاست خارجی آمریکا و شاه: بنای دولتی

- دست‌نشانده در ایران. ترجمه فریدون فاطمی، تهران: مرکز.
- متقی، ابراهیم (۱۳۷۸). جهت‌گیری سیاست خارجی و نقش ملی ایران از کودتا تا انقلاب اسلامی ایران ۱۳۵۷-۱۳۳۲. نامه مفید، (۱۹)، ۱۷۷-۲۰۶.
- <https://www.ensani.ir/fa/article/262841>
- مرکز اسناد ریاست جمهوری ایران (مارجا). شماره بازیابی ۱۵۴۳۵.
- مهدوی، عبدالرضا (هوشنگ). (۱۳۸۰). سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی: ۱۳۰۰-۱۳۵۷. تهران: پیکان.
- میلانی، عباس (۱۳۹۳). دربار شاه. بی‌جا: چاپ افست.
- نجاتیان، آرش (۱۳۷۵). فعالیت‌های ترویجی بنیاد خاور نزدیک در ایران. جهاد، ۱۷ (۱۹۲ و ۱۹۳)، ۸۷-۹۰.
- <https://www.ensani.ir/fa/article/249754>
- نعمتی، نورالدین (۱۳۹۹). روابط ایران و آمریکا در دوره پهلوی دوم. تهران: نگاه معاصر.
- وارن، ای، ویلیام (۱۳۹۴). مأموریتی برای صلح: اصل چهار در ایران. ترجمه محمدمبین نادریان و مینا ناصریان، تهران: هزاره سوم اندیشه.
- هالیدی، فرد (۱۳۵۸). دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران. ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر.
- همراز، ویدا (۱۳۸۱). بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن: هیأت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران. تهران: وزارت امور خارجه.
- یوناه، الکساندر و نانز، الن (۱۳۷۸). ایران و ایالات متحده آمریکا: تاریخ مستند روابط دو جانبه. ترجمه سعیده لطفیان و احمد صادقی، تهران: قومس.
- U.S. Agency for International Development. (1985). *U.S. overseas loans and grants* (Vol. 1). Washington.